

## سیاست خائنانه نفتی و تسلیحاتی

تجدید قرارداد در ارسنی را در روزگار شاهنامه همه خاطرنماز دارند. در سال ۱۳۱۱ شرایط جهان و ایران طوری نبود که امپریالیسم انگلستان صریحا بطلبه تمدید چنان قرارداد می ننکین برخیزد. امپریالیسم انگلستان که رضاخان را بنامش بودی سارده و ضد انشراق و صیبن پرست به سردار سپه و وزارت جنگ و سپس به سلطنت رسانیده بود نمیخواست از اوانگهان به شایه خاطر گوش بفرمان خویش استفاده کند و باین طریق نشسته های دراز مدت استعماری خود را در ایران پاکسخت مواجه سازد پس به صحنه سازی پرداخت: رضا شاه ظاهرا مفرور و تحقیر گان فریاد برآورد که قرارداد ارسنی تمدید شدنی نیست و دست او را که متن آن را از هم برنده است: سخنگویان دولت در "بهت" اعلیحضرت سخن ها گفتند و مطبوعات مزدور و در رأس آنها هم روزنامه اطلاعات - در برابر این اقدام "ملی" به تحسین و تحسین افتادند. غوغای کجی کننده ای برپا شد تا اینکه در آن میان قرارداد ارسنی بنام استیفا حقوق ایران تمدید گردید و ما مور آگاهی در شب های چراغانی بر سر در در گان ها و معازمه ها نوشتند: "حق به حقدار می رسد، هشتادار!"

اکنون همین صحنه سازی با برخی از تغییرات در کشور مانکر می شود: سال ۱۹۲۲ رنگ خطر را برای کسرسیوم صدا در آورد و یاد آورنده که بیش از شش سال دیگر به خاتمه قرارداد او با دولت ایران باقی نمانده است، همان قرارداد ارسنی که کربتای ۲۸ مردان ۱۳۳۲ بخاطر آن برآید و ۱۹ میلیون دلار خرج برداشت، همان قرارداد ارسنی که تا این گنده آب حیات برای صنایع دنیای امپریالیستی است. بدیهی است که در جهان امروز که امپریالیسم در حلقه محاصره خلن ها افتاده است، در شرایطی که برخی از دولت های ضد استعماری صریحا بمقابله با امپریالیسم برخاسته، قرارداد های تحمیلی راهزنانه را از هم دریده و نفت خود را ملی کرده اند تمدید صریح قرارداد کسرسیوم از طرف محمد رضاشاه ضمن خطرات بسیاری میباید. از این جهت بمانور آورده شد: تمدید قرارداد ارسنی متوسل شدند، محمد رضاشاه در تنگی یاد کرد به هسله "انقلاب" بات و دوازده گانه "خود سینه سپر کرد که قرارداد کسرسیوم را تمدید نخواهد شد. آنگاه همه سخنگویان و همه مطبوعات مزدور به شاکریتی قدرت شاهنشاه آریامهر و عظمت این اقدام ملی پرداختند. شاه به استراحت گاه مورس رفت و در آنجا به تانی با نمایندگان کسرسیوم آمد، نمایندگان شرکت ملی نفت ایران همسازانند گردیدند و جزئیات نقشه را بر روی کاغذ آوردند، نتیجه ای که بدست میآید همان است که شاه در نظیو خود در بهمن ماه گذشته گفته بود: "راه دیگر نیست که ... شرکت های غافل نفت بدل به مشتریان طولی التمدت ما شوند و ما نفت را برای امدت طولانی به قیمت خوب و تخفیفی که برای یک مشتری خوب میتوان قائل شد بفروش برسانیم و فروشان را تضمین کنیم".

ظاهرا نیست که قرارداد با کسرسیوم عینا تمدید نشود و از این بعد خود شرکت ملی نفت ایران مستقیما همسده در استخراج و تولید نفت خواهد بود ولی واقعیت آنست که بموجب قرارداد جدید، کارشناسان کسرسیوم تمام امور سرکاری را می مانند، نفت ایران فقط به شرکت های عضو کسرسیوم فروخته میشود و بجزان روز افزون و قیمتت بازار امپریالیستی فروخته میشود، و دولت ایران تضمین میکند که تا آخرین قطره نفت کشور ما با بانک شرکت ملی مذکور بریزد. در اینجا فقط شکل عوض شده است تا غارتگری انحصارهای ملی نفتی محفوظ بماند. در روزنامه اصنام بمناسبت مذاکراتی که بین انحصارها نفتی و کشورهای دارند و نفت خاورمیانه در جریان بود کار شناسان نفتی اعراب سخنی گفت که اگرچه متضاد بنظر میآید بیان کرد واقعیت است. وی گفت که مناسبت بین بقیه در صفحه ۳

## به فرخندگی جشن اول ماه مه!

هیچگاه از انصافات و تظاهرات کارگری خالی نبوده و نیست. در تاریخ نوین ایران هیچ طبقه ای باندازه طبقه کارگر قربانی نداده است. رژیم کودتا که در مقابله با کارگران در درجه اول به حید و زجر و اعدام توسل میجوید در همین حال از تبلیغات گمراه کننده پرده غافل نیست و از آن جمله شعار میسده: "همفکری کامل بین کارگر و کارفرما، در مراحل مختلف مدیریت را به پیش کشیده است" ولی طبقه کارگر آگاه ایران بخوبی میدانند که بین دو طبقه ای که در جریان تولید در نقطه متقابل قرار دارند، سود یکی در زیان دیگری و آسایش یکی در رنج دیگری است، هیچ گونه همفکری در مدیریت نمیتواند موجود باشد و مدیریت کارگران در کارخانه ها فقط پیرای اشتراکی شدن مالکیت وسائل عمده تولید و استقرار حکمت توده ای امکان پذیر خواهد بود. البته طبقه کارگر بآن عده از سرمایه داران ملی که رشد و عنده تولید مستقل ولی کشور ما در مبارزه با امپریالیسم و استعمارانند در مرحله سنی گام های مشترک بر میدارد. ولی این امر اولاً مربوط به سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و تکیه گاههای رژیم کودتا نیست و ثانیا هیچگاه تضاد میان کار و سرمایه را منتفی نمیکردند. رژیم کودتا باشاعه این فریب همت گماشته است که کارگر ان هر چه بیشترین از طریق تمدید روزگار و یا افزایش شدت کار بر میزان تولید بیفزاید بهمان نسبت بر بقیه در صفحه ۳

اخیرا نماینده حزب دیناری " مردم" در مجلس استغفار گان گفت: " ما آنچنان حزبی نخواهیم بود و نخواهیم گذاشت حزبی تشکیل شود که کارگران را با اغصاباد ارسازد و نمایندگان آنها نیز در مجلس تحریک کرده و بغا براه اندازند" (اطلاعات ۲۳ بهمن ۱۳۵۱) کاخاراست است. در رژیم کودتا هیچکس از ارگانها و مقامات رسمی و حتی حزبی که بنظرم عوام فریبی بنام " اقلیت" قدم بمرصه گذاشته، جرات ندارد از اغصاب کارگران پشتیبانی کند و یا سخنی به هواد آری از زحمتکشان بگوید. اما طبقه کارگر برای دفاع از حقوق خود، برای رهائی از استعمار و استثمار، برای توسل باغصاب و هر سینه، دیگر مبارز از هیچ طبقه ارتجاعی چشم یاری ندارد. جواز عبور طبقه کارگر را تاریخ صادر کرده و تیریری روز افزون طبقه کارگر ضامن اجرایی نقش تاریخی اوست. رضاشاه گنه " کارگر" و " زنجیر" را قدغن کرده بود و حاضر نبود از اتحادیه و حزب سخنی بشنود. یکی از بنحیث وزیران رژیم کودتا صریحا در مجلس می گفت: " من از آنکه اغصاب بدم میآید" و در یک روز بیش از ۸۰ تن از کارگران اغصابی کوره پزخانه های تهران را بخیون کشید. اصولا کسرت اغصاب و تظاهرات کارگری است که با سرنیزه و گلوله و رضاشاه و پسرش رویرو نشده باشد. معدنک تاریخ ایران پس از مشروطیت و بویژه پس از شهریور ۱۳۲۰ و حتی در دوران رژیم کودتا

## ویژگی نهضت اخیر دانشجویان

و در همانان بشماره برود موجب تلنگاری و چشم رژیم کودتا بهم - چنین روزی نیست های حزب توده ایران است. رژیم کودتا میسراند از اینکه مبارز از این جرعه ها حریق برخیزد، و روزی نیست های حزب توده ایران میسراند از اینکه مبارز راه مسالمت آمیز آنها بخطر افتد و همه تدارکات سازش آنها با عیثت حاکم ناگهان برآورد. بسیار جالب توجه است که در همان ایامی که دانشجویان ایران بر علیه مسخره جشن های ده سالگی " انقلابات و دوازده گانه" بپا خاسته و در برابر سرنیزه و گلوله سینه سپر کرده بودند، رادیوی روزیونیست ها (پیک ایران) آنها را بپراسیمه وار به آراش و منانیت دعوت میکرد. و صحنه حساسی اخطار میداد که هر کس شعار " مرگ بر انقلاب بگوید" بدهد بر نهضت دانشجویی اخلال کرده است و این نهضت باید در برابر مطالبات دانشجویی و " آزادی های دموکراتیک" تحت نظارت رژیم کودتا - باقی بماند! (گفتار روز سه شنبه ۲۶ دی ماه) ما اگر روزیونیست های حزب توده ایران بقیه در صفحه ۳

مبارزات اخیر دانشجویان ایران از چند لحاظ جاسی خاصی در نهضت دانشجویی کشور ما دارد: یکی از لحاظ طول مدت مبارزات. با آنکه سازمان امنیت تمام نیروی خود را بکار انداخت تا نظارت بر دانشجویان را هر چه زودتر خاموش گرداند و از انعکاس آن در ایران و جهان جلوگیری نماید، تظاهرات مذکور که از نیمه بی ماه شروع شد، جشنان ادامه یافت و رادیوی تهران در ۳ فروردین ماه هنوز از گسترش نهضت سخن میگفت. خصوصیت دیگری در دوره مبارزات دانشجویان این بود که به نقطه معینی محدود نشدند و تقریبا کلیه دانشگاه های ایران را در تهران و آذربایجان و خوزستان و مشهد و غیره در بر گرفت. مدت مدیدی ویژگی مبارزات مذکور عمق معنای سیاسی و صراحت شعارهای جنبشی و ضد امپریالیستی آن بود. تظاهرات دانشجویان با آن آوازهای ارکات مبتدل و مسخره جشن های ده سالگی " انقلابات و دوازده گانه" شعله ور گردید و با شعار " مرگ بر انقلاب سفید" گسترش یافت. بیکار بر علیه ترور و اختناق و تبهکاری های سازمان امنیت و بر علیه سیاست خائنانه رژیم کودتا در مسئله نفت و مذاکرات محرمانه شاه با انحصارهای نفتی، بر علیه خرید ۲ میلیارد اسلحه از آمریکا، تقاضای اصلی این دوره از مبارزات دانشجویان را تشکیل میداد. برخورد دانشجویان با قوای پلیس بقدری بصرمانه و دلیرانه بود که مخبر روانه سه لویونند درگیری های دانشگاه تبریز را " نبرد رودر روی پلیس و دانشجویان" نام نهاد. پلیس فقط پس از قتل چهار دانشجو و دستگیری عده دیگری از دانشجویان توانست دانشگاه تبریز را تسخیر کند. در دانشگاه جندی شاپور هم یک دختر دانشجو بقتل رسید.

این مبارزات نشان میدهند که عوام فریبی های رژیم کودتا و اصلاحات نواستعماری محمد رضاشاه نتوانسته است خلق ما را گمراه گرداند و شعار " مرگ بر انقلاب سفید" که بمعنای شعار " مرگ بر رژیم محمد رضاشاهی" است بصورت شعار عام رسیده است. بر زمین میبهد که مردم ایران با بی ادبی و هشیاری تحسین آمیزی بر آفتاب اقدامات رژیم اندوخیانتهای متوالی او را که در زیر ده ها پرده فریبند صورت میگیرد بخوبی باوری شناسند و محکوم میکنند. نشان میدهند که دانشجویان ایران در مجموع خود در کار خلق قرار دارند، در تجربه باین حقیقت پی برده اند که هیچیک از خواست های اساسی دانشجویی آنها در اداره رژیم صیبن فروش فعلی قابل تحقق نیست و ایمان بلزوم مبارزات ملی و ضد امپریالیستی در وجدان اجتماعی آنها جایگزین شده است. اما این پییده که موجب شادمانی گویه انقلابیون ایران است و مقدمه پیوند جنبش روشنفکران ایران با نهضت کارگران

## دو جهان

" روز اول ماه مه فرا رسید، روزی که کارگران همه کشورها فرارسیدن زندگی آگاهانه خویش را جشن میگیرند، اتحاد دانشجویان را در مبارزه با هر نوع زورگویی و مستکبری انسانی برانسان دیگر، در مبارزه بخاطر رفاه میلیون ها زحمتکار زکرتسنگی، بینوائی و ستم پذیری جشن میگیرند. در این مبارزه مشترک، دو جهان در برابر هم ایستاده است: جهان سرمایه و جهان کار، جهان بهره کسب و بردگی، جهان برادری و برابری.

دریک سو منشی از توانگران آن سان که کارگاهها و کارخانهها، افزارهای کار و ماشینها را در چنگال خویش گرفته اند، میلیون ها عکار زمین و کوههای از بیلور با مالکیت خصوصی خود در آوردند، و دولت و ارتش را بخدمت خویش گماشته و باسدار ثروت انباشته خویش ساخته اند. در سوی دیگر میلیون ها تن از محرومان که باید از توانگران انتماس گار داشته باشند، با کار خودشان سازنده همه شرونها هستند ولی در سراسر عمر بخاطر تقاضای نان رنج میبرند و چنان در جستجوی کارند که کوئی در رفتنای مد تقاضا، تیر و تند رستی خود را در زحمات طاقت فرساز دست میدهند و در بیغوله های عت و دخته ها زخرا به های شهرهای بزرگ گرسنی میکنند. اکنون این محرومان و زحمتکشان به توانگران و بهره گسان اعلان جنگ داده اند. . . .

## دست جلاد از جان میهن پرستان کوتاه!

### وضع فرهنگ

در سال ۱۳۵۰ تعداد کتاب‌های چاپ شده در ایران ۱۴۱۷ است. اگر فرض کنیم که هر کتاب بطور متوسط ۳۰۰ صفحه باشد (که نیست) جمعاً ۴۲۵ هزار و صد صفحه کتاب در سال ۱۳۵۰ منتشر شده است که اگر بین ۳۰ میلیون مردم کشور تقسیم کنیم رقمی بسیار جزئی بدست می‌آید در حالی که همین محاسبه در آسیایان می‌دهد که هر آسیایی سالانه ۳۲ صفحه کتاب نصیب می‌برد.

اطلاعات ۲۸ اسفند ۱۳۵۰

طبق گزارش در بیرگن کمیته ایرانی یونسکو در سال ۱۹۷۰: در آمریکا و شوروی در حدود ۸۰۰۰۰ کتاب منتشر شده است در ترکیه ۵۰۰۰۰ و در ایران ۱۵۰۰۰

کیهان ۳ مرداد ۱۳۵۱

### سیستم «امنیت جمعی» در آسیا

طبق اطلاع خبرگزاری تاس در روزهای اخیر یک کمیته جنگی، یک کمیته امن جمعی و یک زیر کمیته شوروی و ارد بندر بمبئی شده است. هدف ناوگان مذکور طبق اطلاع همان خبرگزاری «بازدید رسمی دوستانه» است.

خبرگزاریها با این مناسبت خاطر نشان می‌سازند که نفوذ نظامی شوروی در منطقه اقیانوس هند، نفوذی که با مسابقه بین رویونیستهای شوروی و امپریالیستهای آمریکائی در احراز سرکردگی در این منطقه ارتباط دارد. در این اواخر بیوسه رو به افزایش است. رویونیستهای شوروی در زیر پرده قرارها «صلح» دوستی و همکاری» یا مترجمان هنرمند شعبد ساخته‌اند، بر سبب به ایجاب پایگاههای دریائی در جزایر اندا مان و نیوگیا و پیش‌خایاتان دست زده اند. در همین حال آنان در صد درصد حاصل پایگاههای نظامی در اندونزی و در جزیره تیمور هستند و از «کک اقتصادی» برای دست اندازی بر جزایر مور بیس، زیشل و سوکوترا و غیره استفاده میکنند. طبق اطلاعات مختلف اکنون ۱۵ تا ۲۰ فرود کشتی جنگی شوروی در اقیانوس هند است. در عین حال که نفوذ نظامی شوروی گسترش می‌یابد و دیدارهای کشتی‌های جنگی اود منطقه اقیانوس هند گسترش می‌یابد رویونیستهای شوروی سروراد باره به اصطلاح «امنیت جمعی» آسیا را از سر گرفته اند. چند روز پیش خبرگزاری تاس فریاد کشید که آسیا محتاج «یک امنیت جمعی است» و مجله «توسلی» مقاله ای تحت این عنوان بجای رسانید: «نیاز بمرم به ایجاد یک سیستم امنیت جمعی در آسیا البته تصادفی نیست که سروراد در باره «امنیت» و «صلح» در آسیا با حرکت ناوگان جنگی شوروی و نمایش زور همراه است، سوسیال امپریالیستهای شوروی از طریق نطقه «امنیت آسیا» میخواهند نشسته توسعه طلبانه و تجاوزکارانه خویش را در این بخش از جهان عملی گردانند و نطقه مذکور در دایره استرا تژی کل ضد انقلابی دو قدرت بزرگ (آمریکا و شوروی) در احراز سیادت بر جهان و تقسیم آن به مناطق نفوذ نیز کشیدند. «کمر بند آتش» بر گرد جمهوری تودهای چین صورت میگیرد. آنان به شیوه‌های برگزیده خویش که عبارت از ارعاب و اعمال فشار است توسل می‌جویند ولی خلق‌های آسیا در برابر نقشه‌های توسعه طلبانه آنان بمخالفتی استوار برخاسته‌اند.

خبرگزاری آلبانی (آنا) ۱۷-۱۸ ژانویه ۱۹۷۳

### انظر مطبوعات محمدرضاشاهی

### آزادی زن!

تشکیل اتحاد روسپیان در ترکیه، اگر از طرف مقامات رسمی ثبت و تان شخصیت حقوقی داده شود تازه ترین اقدام و حادترین عمل برای قبول آزادی بیشتر زنان در کشورهای آسیای است.

روزنامه سحر شماره ۷۶۹

به فرخندگی... بقیه از صفحه ۱ دستمزدشان افزود مغزها شد. ولی قانون استعمار سرمایه داری و تجربه کارگران جهان و ایران به این فریب‌پشتها می‌زنند. در تاریخ حیات سرمایه داری، هیچگاه افزایش دستمزد کارگران و جابجایی از کاهش دستمزد آنها بدون مبارزه حاصل نشده است. وانگهی عسر کارگر آگاهی میدانند که در هر واحد از محصول کارخانه، قسمتی از کارفرما را نیز بالا خواهد رفت و شکاف اجتماعی میان او و کارفرما پهن‌تر و زور فزونی خواهد شد، اگرچه بردستمزد او اندکی اضافه شده باشد.

امروز صنایع ایران بطور عمده در دست امپریالیست‌ها و سرمایه داران وابسته با آنهاست و از اینجست حتی مبارزات روزانه طبقه کارگر چه بسا که برخوردار مستقیم یا منافع استعمار در ایران دارد. مبارزات مطالباتی طبقه کارگر (برای افزایش دستمزد، تغلیل ساعات روزگار، تامین بیمه‌های اجتماعی، تحصیل مرخصی سالیانه با حقوق و غیره) میتواند موقتا از خواست اوضاع زندگی این طبقه بگذرد و در ارتقاء سطح آگاهی و تشکل او تاثیر فراوان دارد. وظیفه کلیه انقلابیون ایران شرکت در این مبارزات و پشتیبانی فعال از آنهاست. ولی گسستن زنجیرهای اسارت طبقه کارگر و همه خلق زحمتکش ایران جز با سرنگونی رژیم ضد ملی و دست نشاندگی امپریالیسم و جز با استقرار حکومت دموکراتیک نوین میسر نیست. ویرانی را که تا دستان مسلح است و کمترین اثری از آزادی‌های دموکراتیک برجای نگذاشته و جز با زبان گلوله با خلق سخن نمیگوید جز با زور نیستوان سرنگون ساخت.

ما همین داریم که طبقه کارگر ایران روز بروز صمنا نه تر و جانپازانه تر در راه مبارزات طبقاتی و ملی گام خواهد گذاشت و انقلاب دموکراتیک نوین را در زیر درفش حزب انقلابی کمونیستی لنینیستی طبقه کارگر بوسله «جنبه» واحد کلیه طبقات ملی و ضد استعماری و از طریق جنگ‌های بخش توده‌های به پیروزی خواهد رسانید.

در این جشن گرایی ماهه از مبارزات کشته طبقه کارگر ایران و جهان و همه خلق‌های شیفته راه‌های الهام‌گیریم! احیاء حزب طبقه کارگر در برصه ایران و همه جبهه‌هاست خود سازیم!

پیوند خود را با طبقه کارگر و همه خلق‌های جهان پیوند بپرتلاریا پیش‌آهنگ چین و آلبانی تحکیم کنیم!

مبارزه بر علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و رژیم دست نشاندگی محمدرضاشاهی را تشدید کنیم!

درفش ظفر بخش آموزش مارکس، انگلس، لنین و استالین و مائوتسدهون را سر بلندتر برافرازیم!

فرخنده باد جشن اول ماه مه!

درون پرشور به طبقه کارگر ایران!

### صنایع اتومبیل در ایران

همه میدانند که آنچه در زبان هیئت حاکمه ایران «صنایع اتومبیل ایران» نامیده میشود چیزی دیگری جز مونتاژ قطعات وارداتی نیست. اما همین مونتاژ نیز بصورت اسف انگیزی انجام میگیرد که روزنامه کیهان در ۲۰ بهمن ۱۳۵۰ شرح داده است.

اینک عین نوشته کیهان:

اگر دستگیر اتومبیل‌های ساخت داخل در روزهای اول و فی الواقع بر اثر اولیسن برخورد دست فرو می‌افتد و با بدبختی تایش آفتاب، قسمتهای از قطعات کم‌اهمیت اتومبیل (برای ذوب شدن چسب) جدا میشود و یا در نسبت بعضی قطعات داخل اتومبیل فروموش می‌گردد و یا پیش‌تر پروید، اگر شیشه اتومبیل‌ها بر اساس استانداردها تهیه نمیشود و در نتیجه موجب تلفات جبران‌ناپذیر می‌گردد، این نفلانی تا هنگامیکه چسب در داخل ملکت مصرف میشود و زبان کلی بصاحب صنعت وارد نمی‌سازد. چرا که تقریباً همه ما در این نوع موارد سهل‌گیریم و حسی هتکامیکه چشمان نزدیکین سائمان بر آنستیم نفس شیشه اتومبیل از میان می‌رود پس از چند روز آنچه وزاری همه چیز با به فراموشی می‌سپاریم. اما در یک بازار خارجی چنین نیست (هرچه بطور قطع در بازار داخلی نیز نباید چنین باشد). در بازار خارجی و بهر حال بازارهایی که خریدار آگاهی صنعتی هستند استفاده‌های واردات شدت و اغلب با برحقی نسبت به تولید کننده و صادرکننده رعایت میشود.

سیاست خائنانه... بقیه از صفحه ۱ این در طرف هر چه بیشتر تغییر پذیرد برد ثابت نریمانان، روزنامه لوموند نوشت: «شک نیست که واشنگتن با تشویق قرارداد مشارکت بین کمپانی‌های نفتی و کشورهای تولیدکننده خلیج (فارس) بزرگی کرده است زیرا که این طریق از یک سو به تامین احتیاج خود از حیث مواد نفتی تضمین بخشیده و از سوی دیگر موجب تقویت روابط خویش با تحویل دهندگان نفت و بویژه با عربستان سعودی و ایران که منتفاهی صاحب نیبی از ذخائر نفت جهان غیرگرم نیست اند گردیده است» (۳۱ مارس ۱۹۷۳).

محمدرضاشاه در گفتارهای خود چنین نشان میدهد که گویا افزایش استخراج نفت یکی از هدف‌های ملی خلق ایران است و گسترش سهم نامکون در اجرای آن کوتاه‌های می‌گردد است. ولی همه میدانند که اول در شرایط استعمار امپریالیستی، هرچه بیشتر از ایران نفت استخراج شود بهره کسی از کارگران ایران و فارت صنایع ملی ما بهمان نسبت افزایش خواهد یافت. و ثانیاً افزایش استخراج نفت یکی از هدف‌های امپریالیست‌هاست که آن را بطور غیر مستقیم از زبان محمدرضاشاه مطرح می‌سازد بقول نشریه «پترولیوم پرس سرویس»: «بموجب برآورد چیس-مانهاتان بانک مصروف نفت آمریکا در ظرف مدت ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ به بیش از دو برابر بالا می‌رود و به ۱۵ تا ۲۰ میلیون بشکه در روز بالغ میشود. اگر هیچ گونه اقدامی برای افزایش تولید انجام نگردد میزان واردات (امریکا) بین ۴ تا ۲۰ میلیون بشکه در روز خواهد بود و پس از سال ۱۹۸۰ واردات بخواهی از رقم ۱۱ میلیون بشکه در روز خواهد گذشت. اشکال دیگر آمریکا اینست که کشورهای تولیدکننده نفت اطراف این کشور از جمله ونزوئلا، قادر نخواهند بود که میزان تولید خود را با این نیاز افزایش دهند. خاورمیانه کمرسال ۱۹۷۰ فقط ۶۰۰ هزار بشکه نفت در روز به آمریکا فرستاده است شاید میسر بشود که صدورفت خود را در سال ۱۹۸۰ به ده برابر این میزان برساند و بتدریج تا سال ۱۹۸۵ این رقم را افزایش دهد» (تهران اکونومیست ۲۸ بهمن ۱۳۵۰).

اینک موضوع جدید شاه با انحصارهای نفتی تامین کننده این احتیاج مبرم روزافزون امپریالیست‌هاست. این موضوعه خیانت جدیدی به مصالح ملی و حیاتی ماست. جالب توجه است که در همین اثنا دولت ایران قرارداد های خرید و وهزار میلیون دلار اسلحه از آمریکا و ۶۰۰ میلیون دلار اسلحه از انگلستان را امضا میکند که مبالغ آنها نقد از محل عواید نفت پرداخت خواهد شد. امضا چنین قراردادها و پرداخت چنین مبالغ افسانه و ارتاث میکند که سیاست نفتی و سیاست تسلیحاتی دولت ایران یکی است. امپریالیست‌ها همان پولی را نیز که بعنوان بهای نفت باید که دست با ایران می‌برند از بدست بهای تسلیحات با دست دیگر می‌برایند و ضحاک دولت محمدرضا شاه را در برابر نهضت خلق ایران و خلق‌های دیگر خاورمیانه تجهیز می‌کنند. سیاست آنها از یک سو مبتنی است بر غارت نفت ایران و خاورمیانه و از سوی دیگر بر سرکوب خلق‌های این منطقه بدست چاکرانی نظیر محمدرضا شاه.

نفت ایران و بطور کلی ثروت‌های زیرزمینی ایران استقلال و حاکمیت ایران فقط با سرنگونی حکومت محمدرضاشاهی به خلق ما باز خواهد گذشت.

ویژگی نهضت... بقیه از صفحه ۱ را «آتش‌شان» انقلاب ایران» و عملاً در کار رژیم محمدرضاشاه میدانیم بعزت این اعمال مشخص آنهاست. کسانی که چنگ انداخته‌اند و نهضت دانشجویی ایران را بعقب می‌کشند و این کار را در مورد نهضت عموم خلق ایران نیز انجام میدهند چه نقش دیگری جز دستیار با هیئت حاکمه ایران میتوانند داشته باشند؟

نا به دانشجویان بمناسبت بیداری و پیکار جوشی و دلیری آنها درود می‌فرستیم. ما معتقدیم که دانشجویان و بطور کلی همه طبقات و قشرهای ملی و دموکراتیک هرگز نباید از مبارزات صنفی و مطالباتی که وسیله تجمع و تشکل و ارتقاء سطح آگاهی توده‌هاست غافل گردند ولی شیوع مبارزات سیاسی و قهرآمیز در نزد طبقات و قشرهای مذکور امری نوید بخش و برای تدارک انقلاب ایران ضروری است و مورد تأیید کامل ماست. افتخار بر دانشجویان شهید!

ننگ و نفرت بر رژیم خونخوار محمدرضا شاهی!

### نهضت مسلحانه در بوزیل

نهضت انقلابی در کشورهای آمریکای لاتین و دیاره  
 آج میگرد و این بار با استفاده از تجارب تلخ گذشته و تحت  
 تاثیر احزاب کمونیست مارکسیست لنینیست در  
 سطح عالیتری از تنگ قرار دارد و به راه جنگ  
 توده‌های روان است.  
 برای نمونه میتوان کشور بوزیل را یاد آور شد. در آوریل  
 ۱۹۶۴ در بوزیل با الهام امپریالیسم آمریکا کودتای فاشیستی  
 روی داد و حکومت ترور و وحشت برقرار گردید. ولی توده‌ها و  
 خلق بوزیل سر تسلیم فرود نیاوردند و هر سال تظاهرات و اعتراضات  
 کارگران، دهقانان، دانشجویان و روزمندیان را ترتیب دادند. یک  
 سال پیش در منطقه آراگایا (شمال بوزیل) قیام مسلح بر پا  
 شد و سرعت گسترش یافت. نیروهای پارتنری آراگایا فقط  
 از پشتیبانی اهالی منطقه بلکه از هواداری گلبه خلق بوزیل  
 برخوردارند زیرا که آنها از آرمانهای همه خلق دفاع میکنند.  
 حکومت کودتاگران فاشیست بوزیل که از این نهضت پارتنریستی  
 سخت بهراس افتاده بود در ۱۸ سپتامبر سال گذشته با لشکر  
 کثیف دست زد. ده هزار سرباز مجهز به وسائل مختلف جنگ  
 تحت نظارت ژنرال آمریکایی و فرماندهی فرمانده کرفوا  
 بوزیل بر مواج پارتنری حمله ور شدند ولی بر خلاف انتظار  
 با ناکامی روبرو گشتند. ژنرال‌های بوزیلی برای اینکه پارتنری  
 در محاصره ببقیند بویران ساختن نهات و تعقیب و زجر  
 روستاییان و بهم ریختن اراضی کشتند دست زدند و ضما  
 پادگان بزرگی در منطقه آراگایا بر پا کردند و به جاده کسی  
 در رجون جنگها برداختند تا آسانتر به مواج پارتنریها  
 دسترس داشته باشند. ولی هیچیک از این اقدامات نتوانست  
 نیروهای پارتنری را که در میان خلق ریشه دارند درهمشکند  
 همانطور که روزنامه ارگان مرکزی حزب کمونیست بوزیل نگاشته  
 است: «عدم رضایت در سراسر کشور توسعه مییابد و خلق  
 بوزیل رژیم فاشیستی را که بوسیله شتی از ژنرال‌ها برانگیخته  
 شده است تمیز میدهند و فریاد محنه سازی انتخابات را تخیل  
 این حقیقت است که نهضت مسلحانه آراگایا موجب برانگیختن  
 مبارزه با فرسود و یکسختی در گلبه زمینها گردید  
 و شور و شوق توده‌ها را اعتلا بخشیده و راه  
 های نوینی گشود است»  
 در برابر چنین شکستی است که ژنرال‌های فاشیست  
 بوزیلی - مانند گلبه نیروهای ریزوال - جنایات جدیدی بر  
 علیه انقلابیون و همه خلق مبادرت جستند و از آنجمله در اوایل  
 ماه فوریه چهار تن از رهبران حزب کمونیست و انقلابیون نامدار  
 بوزیل را بدست فاشیست‌ها تکیه نام "گردان‌های مرگ" بخود  
 داده‌اند از پای درآوردند. این چهار تن عبارت بودند از:  
 لینکن است ۶۵ ساله، لویس گیل هاروینی ۵۲ ساله،  
 لیکن ریک از رهبران دانشجویان و کارسوزانیلی از رهبران  
 جوانان. این چهار نفر در موقعی که در اردوستان پرستش  
 کمونیست بوزیل به روزیونیم گرائید نقش مهمی در مبارزه با  
 روزیونیم و در ساختمان حزب کمونیست بوزیل ایفا کرده بودند  
 کشتار آنها بظنور ضربه زدن به ستاد رهبری نیروی ضد  
 فاشیستی صورت گرفته است. ژنرال‌های فاشیست بوزیل گلبه  
 آزادی‌های دموکراتیک را برانده اختصار سانسور سخت برقرار ساخت  
 اند. در بوزیل فقط برای "گردان‌های مرگ" آزادی وجود  
 دارد. ولی به موازات تشدید ترور نهضت‌های توده‌های در شهر  
 و ده و مبارزات مسلحانه در منطقه آراگایا روز بروز بیشتر تقویت  
 و تحکیم میشود.  
 ما فریاد خود را بر علیه جنایات ژنرال‌های فاشیست  
 بوزیل و بر علیه کشتار رهبران گرامی حزب کمونیست بوزیل بلند  
 میکنیم. مایقین داریم که خلق بوزیل در طی تیرهای عظیم  
 خود رهبران دیگری خواهد پرورد و با گسترش تیرهای مسلح  
 آراگایا سراسر کشور بهیواد بوزیل را از دشمنان خلق و دست  
 نشانندگان امپریالیسم پاک خواهد کرد.  
 یاد رهبران شهید حزب کمونیست بوزیل  
 در نرسد همه انقلابیون و مارکسیست لنینیست‌های  
 جهان گرامی است.  
 پیروز باد حزب کمونیست بوزیل!

زندگی سوزان... بقیه از صفحه ۴  
 است! چه بسیار از زنان اسیر این "خانه زن" که از نقاط  
 مختلف ایران بعنوان خدمتگاری خریداری و باین دامگاه  
 تبهکاری گنجانده شده‌اند!  
 بندر عباس در رنج و مصیبت خود تنها نیست. همه  
 بندر خلیج فارس در کنار بندر عباس‌اند. نظری به جزیره  
 قسم بندر ایزد که یگانه ساختمان آجرینش پاسگاه زاندر امری است  
 تنها وسیله معاش مردم اینجا ماهیگیری است. سابقا خود مردم  
 ماهی میگرفتند و بآن امرار معاش میکردند. بعد از سایه حکومت  
 کودتا شرکت شیلات جنوب تشکیل شد و حق صید مستقل ماهی  
 را از مردم گرفت. اینک صیاد قشعی مجبور است که تمام روز در  
 برابر مزی که حد اکثر آن به ۱۰ تومان میرسد حساب شرکت  
 شیلات ماهی بگیرد. باین طریق هرچه شرکت شیلات ترغبتتر  
 میشود زحمتکشان قسم بی‌تواتر و تهیدست تر میشوند. بیهوده  
 نیست که عده زیادی از آنها بقیمت خظرات جانی از قسم سه  
 سواحل جنوب خلیج فارس آواره میگرددند. مردم قسم آب مشرک  
 ندارند و هر سه هزار نفر آنها از آب بارانی رفع عطش میکنند  
 که در گدال آلوده مطو از گرم گرمی آید. معدنک تصور کنید  
 که همین آب گرم آلود هم جانبا بلبل‌های تنه زحمتکشان قسم  
 میرسد! نه! همین آب هم مالک دارد که هر حلیب آن را به  
 ریال مردم میفروشد! آب گرم آلود حلیس ریال اینست  
 هدیه رژیم کودتا بیهوشان ماکه هنوز در شرایط ماقبل قرون  
 وسطی بسر میرند!  
 آری آنچه آبادی در بندر خلیج فارس دیده میشود  
 متعلق است به امپریالیست‌ها، به خانواده پهلوی، به مالکان  
 و سرمایه دارانی که کشتی کشتی پول دارند، به ایران غارتگر  
 خلق عرب و آنچه ویرانی است نصیب زحمتکشان است که تمام  
 هستی کشور ما شره، دسترنج آنها و امثال آنها، متعلق به  
 آنها و برادران آنهاست.  
 امام زبیر آفتاب سوزان جنوب نیز مانند همه نقاط ایران  
 کینه سوزانی نسبت بر رژیم مردم کش محمد رضا شاه نعل میزند  
 و نوید میدهد که این حکومت ضد خلق و اسارت آور و دست  
 نشانده از اتش بیگانه‌مقدس خلق ایران نخواهد رست.

پیوسته چنین است که چون دشمن را بکوی آذرتشتی  
 در می‌آیند.  
 \* \* \*  
 "صدمرتبه بر ما غلبه میکند ولی در مرتبه صد و یکم ما  
 بر آنها غلبه خواهیم کرد"  
 لنین

### در محیط زحمت پرور

اخیرا داستانی بنام "حدیث میرزا عبد الله خان" در مجله  
 سخن (آذر ۱۳۵۶) انتشار یافته است. از آنجا که این داستان  
 بقلیگی از کاسلینس ترین مداحان رژیم کودتا نوشته شده کسی  
 نمیتواند آن را زانیده احساسات دشمنانه و ناشی از انتقاد  
 مبالغه آمیز بداند. از اینجهت ما قسمتی از آن را که نشان دهنده  
 رفتار مفاشد و لتی رژیم کودتا باین رستان است در زیر کوهی می‌آیند  
 "زیر پرورد. اما خدا روز بد دهد چو زیری بود، خشن و بی  
 ادب و خشمگین می نمود، بد دهن بود ضعیف چزان بود، روزی  
 نمیکشت مگر آنکه دهانش برافش و بد حرفی باشد. عضو  
 ضعیف را گریز آورد آنطور که عنکبوت کسی را بدام کند. آنگاه  
 ایراد‌هایی درین شروع میشد. لاینقطع سوال میکرد. عضو  
 ضعیف در مقابلش چون گنجشک در جنگال شاهین دست و پا میزد  
 به این دروان در میزد. آنوقت لاش میگرد، باتوئین و تحقیر  
 می شکستش، سرا فکند هاش میساخت و سپس راهش میکرد. و غم  
 و غم بیدلیل و احوانا بعثت کمی شخصیت خود تر بود. وقت  
 چنانیت مضطرب تر میشد، فریاد میکرد و خجالت راه می انداخت،  
 پایش را به گف اطاع میگوید، عینکش را میکشد، عریه میگرد،  
 چنان میشد که لال شکم رئیس دفتر یا کارمند "متبوه" را پاره  
 خواهد کرد... کاهی در هفتگی در پیاری می بودم. معاونی  
 داشت فهمیده و روند و استاد کار... در دفتر بگره ما می بودند.  
 کاهی پنجه می داشتیم. این مرد شیفته از زور به جلسه  
 آیت الکرسی میخواند و بخود فوت میکرد، دعای عقب و وظیلی -  
 خواند که از گزند مصون باشد. میترسید در لجن فحش و بی  
 حرمتی های وزیر بیفتد."

### جنایت راهزنان اسرائیل

یک ساعت پس از نیمه شب و دوشنبه ۱۴ آوریل کما ندو  
 اسرائیلی با استفاده از کشتی و هلیکوپتر بیروت با بیخ  
 لبنان و پورا و کما پناهندگان فلسطینی در صیدون حمله ور شد  
 غا فلکبیرا نه و در لیبیا غیر نظامی در لیبیا س قدا غیا فلسطینی  
 به بیب کذاری در خفا نهاد و کشتار ویرحمانه مردم و منجمله عده  
 از رهبران جبهه نجات بخش فلسطین دست زدند. عملیات  
 کما ندوهای اسرائیلی طبق مواضع قبلی با دستکاه جاسوسی  
 آمریکا صورت پذیرفت و سفارت آمریکا در بیروت بود که ناخال  
 در پانزدهم مواضع خویش را بی‌یاد داد. چهار تن از رهبران جبهه  
 نجات بخش فلسطین که تا آنجا نمرده‌اند بقتل رسیدند غایب  
 از: یوسف نجار، کمال عدوان، کمال ناصر، ابولیلی.  
 ما فقرت و خشم بی پایان خلق ایران را نسبتا بین  
 جنایت جدید صهیونیسم و امپریالیسم اعلام میداریم و سرا تپ  
 تسلیم خود را بماناسبت شهیدان بیروت و صیدون و چهار تن از  
 رهبران جبهه نجات بخش فلسطین به خلق فلسطین همه خلقهای  
 عرب تقدیم میکنیم. ما یقین داریم که این شهیدان غا هوشی  
 اسرائیل را خلق فلسطین و کلبه خلق‌های عرب را در مبارزه  
 آنان علیه صهیونیسم و امپریالیسم و بیخاطرها می بینند.  
 مصمم تر و استوارتر خواهد ساخت. این شهیدان راهزنان بسیار  
 دیگر نشان میدهد که برای ریشه کنی ساختن جبهه صهیونیستی  
 امپریالیستی هیچ راه دیگری جز توسل به قوا و مسلح و  
 جنگ انقلابی موجود نیست.

پیروز باد خلق... بقیه از صفحه ۴  
 شرکت نماینده دارو -  
 دسته لون نول - سیریک ماتاک رای داد. در سال ۱۹۷۱  
 صلیب سرخ شوروی نوازم ساختمان بیمارستان "دوستی" به  
 این دارو دسته تحویل داد. جندی پیش شرکت بیمه دولتی  
 شوروی، یک شرکت کامیونی را که بکار حمل و نقل کالا های  
 امریکائی به کامبوج میرد از بیمه کرد و همه میداند که کالا  
 های مذکور جز اسلحه، ساز و برگ، و بعب برای کشتار خلق  
 کامبوج چیز دیگر نیست. روش سوسیال امپریالیست‌های  
 شوروی در کامبوج مظهر هگماری آنها با امپریالیسم امریکاست.  
 اما تجربه و بتمام در برابر همه خلق‌های جهان است.  
 این تجربه بار دیگر ثابت میکند که خلقی که برای آزادی و رفاهی  
 خویش آگاهانه بیاخته و اسلحه بدست برای هرگونه فداکاری  
 و جانبا زاری آماده شده است مغلوب شدن نیست. پیروز  
 نهائی با خلق دلیر کامبوج است.

میهانوک رئیس دولت کامبوج و صدر جبهه اتحاد ملی  
 کامبوج در اظهار نامه ۲۷ فوریه از دولت امریکا خواستار شد که:  
 "تمام کارمندان نظامی امریکا را بیدرتنگ از کامبوج بیرون بریزد  
 "کلیک نظامی خود را به اصطلاح جمهوری خمر کامبوج  
 بیدرتنگ قطع کند."  
 "از اعزام هواپیماهای امریکا به فضای کامبوج، بیدرتنگ  
 و برای همیشه دست بردارد."  
 سپهانوک بدرتی گفت که: "حل مسئله صلح در کامبوج  
 دشوار نیست. اگر امریکا به قطع مداخله در امور مردم کامبوج  
 رضایت دهد کامبوج بزودی زود صلح سنتی خود را باز خواهد  
 یافت."  
 مطالبات سنگانه رئیس دولت کامبوج مطالبات خلق  
 کامبوج و همه خلق‌های جهان است.  
 کوتاه‌باد دست تجاوزکار امپریالیسم امریکا از کامبوج!  
 سرنگون باد دارو دسته زورخیزد لون نول - سیریک ماتاک!  
 پیروز باد جبهه متحد ملی کامبوج!

عنوان مکاتبات  
 X GIOVANNA GRONDA  
 24030 VILLA D' ADDA/ITALY  
 حساب بانکی  
 X GIOVANNA GRONDA  
 CONTO 17549/11  
 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
 MILANO/ITALY

### پیروز باد جنگ توده‌های خلق فلسطین

### وضع فرهنگ

در سال ۱۳۵۰ تعداد کتاب های چاپ شده در ایران ۱۴۱۷ است. اگر فرض کنیم که هر کتاب بطور متوسط ۳۰ صفحه باشد (که نیست) جمعا ۴۲۵ هزار و صد صفحه کتاب در سال ۱۳۵۰ منتشر شده است که اگر بین ۳۰ میلیون مردم کشور تقسیم کنیم رقمی بسیار جزئی بدست می آید در حالی که همین محاسبه در آسیایان می دهد که هر آسیائی سالانه ۳۲ صفحه کتاب نصیب میبرد.

**اطلاعات ۲۸ اسفند ۱۳۵۰**

طبق گزارش دبیرک کمیته ایرانی یونسکو در سال ۱۹۷۰: در امریکا و شوروی در حدود ۸۰۰۰۰۰۰۰ کتاب منتشر شده است در ترکیه ۵۰۰۰۰۰۰۰ در ایران ۱۵۰۰۰۰۰۰

**کتابان ۳ مرداد ۱۳۵۰**

### سیستم «امنیت جمعی» در آسیا

طبق اطلاع خبرگزاری تاس در روزهای اخیر یک کنسرتی جنگی، یک کنسرتی مین جیمکن و یک زیر دریائی شوروی وارد بندر بمبئی شدند. هدف ناوگان مذکور طبق اطلاع همان خبرگزاری، «بازدید رسمی دوستانه» است.

خبرگزاریها با این مناسبت خاطر نشان می سازند که نفوذ نظامی شوروی در منطقه اقیانوس هند، نفوذی که با مسابقه بین رویزیونیستهای شوروی و امپریالیستهای آمریکائی در احراز سرکردگی در این منطقه ارتباط دارد، در این اواخر پیوسته رو به افزایش است. رویزیونیستهای شوروی در زیر پرده «قرارداد صلح» و «دوستانگی» با مرتجعان هندی متعقد ساخته اند، سرعت به ایجاد پایگاه های دریائی در جزایر اندامان و نیکوبار و پیش خا پستان دست زده اند. در همین حال آنان در مدد تحصیل پایگاه های نظامی در اندونزی و در جزیره تیور هستند و از «کک اقتصادی» برای دست اندازی بر جزایر موریس، زیشل و سوکوترا و غیره استفاده میکنند. طبق اطلاعات مختلف و اکنون (۱۰ تا ۲۰ فروردین کنسرتی جنگی شوروی در اقیانوس هند است. در عین حال که نفوذ نظامی شوروی گسترش میابد و دیدارهای کنسرتی های جنگی اود منطقه اقیانوس هند مکرر میشود. رویزیونیستهای شوروی سرورده در باره اصطلاح «امنیت جمعی» آسیا را از سر گرفته اند. چند روز پیش خبرگزاری تاس فریاد کشید که آسیا محتاج امنیت جمعی است و «مجله» تووستی مقاله ای تحت این عنوان بجا ساندید: «نیاز مبرم به ایجاد یک سیستم امنیت جمعی در آسیا البته تصادفی نیست که سرورده در باره «امنیت» و «صلح» در آسیا با حرکت ناوگان جنگی شوروی و نمایش زور همراه است. سوسیال امپریالیستهای شوروی از طریق توطئه «امنیت آسیا» میخواهند نقشه توسعه طلیانه و تجاوزکارانه خویش را در بخش از جهان علی گردانند و نقشه مذکور در اثره استراحتی تزی گلی شد انقلابی دو قدرت بزرگ (آمریکا شوروی) در احراز سیادت بر جهان و تقسیم آن به مناطق نفوذ نیز کشیدن «کمربند آتش» بر گرد جمهوری تودهای چین صورت میگیرد. آنان به شیوه های برگزیده خویش که عبارت از ارتاب و اعمالفتنا است توسل میجویند ولی خلق های آسیا در برابر نقشه های توسعه طلبانه آنان بخالفی استوار برخاسته اند.

**خبرگزاری آلبانی (آنا) - ۱۷ ژانویه ۱۹۷۳**

### انظر مطروعه محمد رضاشاهی

### آزادی زن!

تشکیل اتحاد روسیایان در ترکیه، اگر از طرف مقامات رسمی ثبت و بیان شخصیت حقوقی داده شود تازه ترین اقدام و حادث ترین عمل برای قبول آزادی بیشتر زنان در کشورهای اسلامی است.

**روزنامه «سحر» شماره ۷۶۹**

به فرخندگی... بقیه از صفحه ۱ دستمزدشان افزودند و خود شد. ولی قانون است شمار سرمایه داری و تجربه کارگران جهان و ایران به این فریب پست با میزنند. در تاریخ حیات سرمایه داری هیچگاه افزایش دستمزد کارگران و با جلوگیری از کاهش دستمزد آنها بدون مبارزه حاصل نشده است. وانگهی عصر کارگر آگاهی میدانند که در هر واحد از محصول کارخانه، قسمتی از کارفراتر شده او خوابیده است و هر چه میزان محصول بالا رود استثمار کارگر نیز بالا خواهد رفت و شکاف اجتماعی میان او و کارفرما پهناتر و زودتر خواهد شد، اگر چه برد دستمزد او اندکی اضافه شده باشد.

امروز صنایع ایران بطور عمده در دست امپریالیست ها و سرمایه داران وابسته با آنهاست و از این جهت حتی مبارزات روزانه طبقه کارگر چه بسا که برخوردار مستقیم با منافع استثمار در ایران دارد. مبارزات مطالباتی طبقه کارگر (برای افزایش دستمزد، تقلیل ساعات روزگار، تامین بیمه های اجتماعی، تحصیل مرخصی سالانه با حقوق و غیره) میتواند موقتا از خامت اوضاع زندگی این طبقه بکاهد و در ارتقا سطح آگاهی و تشنگی او تاثیر فراوان دارد. وظیفه کلیه انقلابیون ایران شرکت در این مبارزات و پشتیبانی فعال از آنهاست. ولی کنسرت زنجیر های اسارت طبقه کارگر و همه خلق زحمتکش ایران جز با سرنگونی رژیم ضد ملی و دست نشانده امپریالیسم و جز با استقرار حکومت دموکراتیک نوین میسر نیست. وزیرانی را که تا دندان مسلح است و اکثرین اثری از آزادی های دموکراتیک برجای نگذاشته و جز با زبان گلوله با خلق سخن نمیگوید جز با زور نستوان سرنگون ساخت.

مابین ما یک طبقه کارگر ایران روز بروز صمناست تر و جانپازانه تر در راه مبارزات طبقاتی و ملی کام خواهد گذاشت و انقلاب دموکراتیک نوین را در ردف حزب انقلابی مارکسیستی لنینیستی طبقه کارگر بوسیله «جبهه واحد» طبقه ملی و ضد استثمار و از طریق جنگ راهی بخش توده های بیسوزی خواهد رسانید.

در این جشن گرامی ما به از مبارزات گذشته طبقه کارگر ایران و جبهه همه خلق های شیفته راهی الهام بگیریم! احیای حزب طبقه کارگر در عرصه ایران وجه مهمت خود سازیم!

پیوند خود را با طبقه کارگر و همه خلق های جهان و پیوند پرلناری پیش آنگاه چین و آلبانی تحکیم کنیم!

مبارزه بر علیه امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم و رژیم دست نشانده محمد رضاشاهی را تشدید کنیم!

درفش ظفر بخش آوزش مارکس، انگلس، لنین و استالین و مائوتسه دون را سر بلند تر برافرازم!

فرخنده باد جشن اول ماه مه!

درد پریشور به طبقه کارگر ایران!

### صنایع اتومبیل در ایران

همه میدانند که آنچه در زبان هیئت حاکمه ایران «صنایع اتومبیل ایران» نامیده میشود چیز دیگری جز مونتاژ قطعات وارداتی نیست. اما همین مونتاژ نیز بصورت اسف انگیزی انجام میگیرد که روزنامه کیهان در ۲۰ بهمن ۱۳۵۰ شرح داده است.

اینک عین نوشته کیهان:

تقریبا همه ما در این نوع موارد سهل گیریم و جنسی هتکاتی که چشمان زدنترین کسان براتمسستر نقی شیشه اتومبیل از میان میروند پس از چند روز شیشه وزاری همه چیز را به فراموشی میسازیم. اما در یک بازار خارجی چنین نیست (هر چه بقدر قطع در بازار داخلی نیز نباید چنین باشد) در بازار خارجی و بهر حال بازارهایی که خریدار کالاها صنعتی هستند استاندارد های واردات بدست و اغلب با بردهای نسبت به تولید کننده و صادرکننده رعایت میشود

آئی دستگیره اتومبیل های ساخت داخله در روز های اول و فی الواقع بر اثر اولیین برخورد دست فرو می افتد و با بدنیال ناپی اکتاب، فستتالی (از فلزات کم اهمیت تر اتومبیل) (بر اثر ذوب شدن جیبها) چپا میشود و یا اثر نصب بعضی قطعات داخل اتومبیل فراموش میگرد و یا پیشتر برویم، آئی شیشه اتومبیلها بر اساس استانداردها نیسه و نصب نشده و در نتیجه موجب لطمات جبران ناپذیر می گردد و این نقصانها تکلیفاتی که متحمل می شود در داخل مملکت مصرف میشود «زبان کلی» به صاحب صنعت وارد نمی سازد. چرا که

سیاست خائنه... بقیه از صفحه ۱ این در طرف هر بیشتر تغییر پذیر ثابت نمی ماند. روزنامه لوموند نوشت: «شک نیست که واشنگتن با تشویق قرارداد مشارکت بین کمپانی های نفتی و کشورهای تولید کننده خلیج (فارس) بزرگی کرده است زیرا که با این طریق از یک سو به تامین احتیاج خود از حیث مواد نفتی تقسیم بخشیده و از سوی دیگر موجب تقویت روابط خویش با تحویل دهندگان نفت و بویژه با عراق سعودی و ایران که پهنای صاحب نیسی از ذخایر نفت جهان غیرگرم نیست اند گردیده است» (۲۱ مارس ۱۹۷۳).

محمد رضاشاه در گفتارهای خود چنین نشان میدهد که گویا افزایش استخراج نفت یکی از هدف های ملی خلق ایران است و کسوسیم تا کنون در اجرای آن کوتاهی نمیکرد. است. ولی همه میدانند که اول در شرایط استثمار امپریالیستی هر چه بیشتر از ایران نفت استخراج شود بهره کسی از کارگران ایران و از منابع ملی ما بهمان نسبت افزایش خواهد یافت. و ثانیاً افزایش استخراج نفت یکی از هدف های امپریالیست ها است که آن را بطور غیر مستقیم و از زبان محمد رضاشاه مطرح میسازند. بقول نشریه «پترولیوم پرس سرویس»: «موجب برآورد چیس مانهاتان بانک مصرف نفت آمریکا در ظرف مدت ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۵ به بیش از دو برابر بالا میروند و به ۳۰ تا ۴۰ میلیون بشکه در روز بالغ میشود. اگر هیچ گونه اقدامی برای افزایش تولید انجام نگردد میزان واردات (امریکا) بین ۴ تا ۲۰ میلیون بشکه در روز خواهد بود و پس از سال ۱۹۸۰ واردات بخشی از رقم ۱۱ میلیون بشکه در روز خواهد گذشت. اشکال دیگر آمریکا اینست که کشورهای تولید کننده نفت اطراف این کشور از جمله ونزوئلا، قاتر نخواهند بود که میزان تولید خود را باین احتیاجات افزایش دهند. خاورمیانه در سال ۱۹۷۰ فقط ۶۰۰ هزار بشکه نفت در روز به آمریکا فرستاد است شاید میسر بشود که صد و نرفت خود را در سال ۱۹۸۰ به ده برابر این میزان برساند و بتدریج تا سال ۱۹۸۵ این رقم را افزایش دهد» (تهران اکونومیست ۲۸ بهمن ۱۳۵۱).

اینک موضوع جدید شاه با انحصارهای نفتی تامین کننده این احتیاج مبرم روز افزون امپریالیست ها است. این موضوعه خیانت جدیدی به مصالح ملی و حیاتی ماست.

جالب توجه است که در همین اثنا دولت ایران قرارداد های خرید و نه هزار میلیون دلار اسلحه از آمریکا و ۴۰ میلیون دلار اسلحه از انگلستان را امضا میکند که مبالغ آنها نقد از محل عواید نفت پرداخت خواهد شد. انضا چنین قراردادها میروند اخت چنین مبالغ افسانه وار ثابت میکند که سیاست نفتی و سیاست تسلیحاتی دولت ایران یکی است. امپریالیست ها همان پولی را نیز که بعنوان بهای نفت بایک دست بایران میروند از بند بهای تسلیحات با دست دیگر میبایند و رضایت دولت محمد رضا شاه را در برابر نهضت خلق ایران و خلق های دیگر خاورمیانه تجسین میکنند. سیاست آنها از یک سو مبتنی است بر غارت نفت ایران و خاورمیانه و از سوی دیگر بر سرکوب خلق های این منطقه بدست جاگرافی نظیر محمد رضا شاه.

نفت ایران و بطور کلی ثروت های زیر زمینی ایران استقلال و حاکمیت ایران فقط با سرنگونی حکومت محمد رضاشاهی به خلق ما باز خواهد گذشت.

وزیرک نهضت... بقیه از صفحه ۱ را آتش نشان انقلاب ایران» و عملا مددکار رژیم محمد رضاشاه میدانیم بعلت این اعمال شخص آنهاست. کسانی که چنگ انداخته اند و نهضت دانشجویی ایران را عقب می کشند و این کار را در مورد نهضت عموم خلق ایران نیز انجام میدهند چه نقش دیگری جز دستکاری بنا هیئت حاکمه ایران نمیتوانند داشته باشند؟

ما به دانشجویان بنامست بیداری و نیکار جوشی و دلیری آنها درود میفرستیم. ما معتقدیم که دانشجویان و بطور کلی همه طبقات و قشر های ملی و دموکراتیک هرگز نباید از مبارزات صنفی و مطالباتی که وسیله تجمع و تشنگی و ارتقا سطح آگاهی توده ها است غافل گردند ولی شیوع مبارزات سیاسی و قهرآمیز در نزد طبقات و قشر های مذکور امری نوید بخش و برای تدارک انقلاب ایران ضروری است و میورد تا بید کامل ماست.

انفخار بر دانشجویان شهبند!

ننگ و نفرت بر رژیم خونخوار محمد رضا شاهی!